



Understanding and Identifying Psychosocial Factors of Subcultures Related to Drug Use: A Grounded Theory Study

Ahmadgholi Habibi Babadi¹, Seyed Ali Hashemianfar², Asghar Mohammadi³

1. Ph.D. Student in Sociology, Economics and Development, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

2. (Corresponding author)* Associate Professor, Department of sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Abstract

Aim and Background: Research has shown that the conditions and characteristics of subcultures can be one of the causes of addiction and drug use, and the study of psychosocial factors in any society can clarify the characteristics of that culture and provide clues about its problems. Society is especially addicted; therefore, this study seeks to understand and identify the psychosocial factors of subcultures related to drug use.

Methods and Materials: The study is qualitative and grounded in theory. The city of Isfahan was selected as a research pilot. Variables and categories were extracted from 32 interviews that were validated by professors and subject matter experts. Out of 18 pivotal categories, 5 main categories including causal conditions, contextual conditions, interventionist conditions, strategies and consequences were identified.

Findings: Substance abuse is associated with "practical-emotional dependence", "social exclusion" and "deviant subculture". People in their addictive lifestyle suffer from a kind of separation from society. Continuity of membership in the deviant subculture is considered as the only capital of the addicted person and provides the ground for the formation of more deviant and deviant behaviors. Consequences will include: persistence of addiction, psychosocial decline, formation of new negative values, subculture of discrete support and trust in the face of intergroup distrust.

Conclusions: According to the results, it seems that social and emotional support of addicts and helping them to quit drugs prevents them from being absorbed into aggressive and delinquent subcultures. However, in order to increase the external credibility of the research, it is suggested that similar research be conducted in other societies.

Keywords: Addiction, Subculture, Lifestyle, Psychosocial factors

Citation: Habibi Babadi A, Hashemianfar SA, Mohammadi A. **Understanding and Identifying Psychosocial Factors of Subcultures Related to Drug Use: A Grounded Theory Study.** Res Behav Sci 2021; 18(4): 449-459.

* Seyed Ali Hashemianfar
Email: j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

فهم و شناسایی عوامل روانی اجتماعی خرده فرهنگ‌های مرتبط با مصرف مواد مخدر: یک مطالعه گراند تئوری

احمدقلی حبیبی بابادی^۱، سید علی هاشمیان فر^۲، اصغر محمدی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گرایش اقتصاد و توسعه، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)* دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تحقیقات نشان داده است که شرایط و ویژگی‌های خرده فرهنگ‌ها می‌تواند یکی از دلایل ابتلا به اعتیاد و مصرف مواد مخدر باشد و بررسی عوامل روانی اجتماعی هر جامعه‌ای می‌تواند روشن کننده ویژگی‌های آن فرهنگ بوده و سرخ‌هایی در ارتباط با مشکلات آن جامعه به ویژه اعتیاد باشد؛ بنابراین این پژوهش درصدد فهم و شناسایی عوامل روانی اجتماعی خرده فرهنگ‌های مرتبط با مصرف مواد مخدر است

مواد و روش‌ها: مطالعه از نوع کیفی و از روش گراند تئوری می‌باشد. شهر اصفهان به عنوان پایلوت تحقیق انتخاب گردید. متغیرها و مقوله‌ها از ۳۲ مصاحبه که اعتبار آن توسط اساتید و متخصصین موضوع تأیید شده، استخراج گردید. از میان ۱۸ مقوله محوری، ۵ مقوله اصلی شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی شدند.

یافته‌ها: سوء مصرف مواد با «وابستگی عملی-احساسی»، «رانده‌شدگی از جامعه» و «خرده فرهنگ انحرافی» همراه است. افراد در سبک زندگی اعتیاد گونه خود دچار نوعی جدایی از اجتماع هستند. تداوم عضویت در خرده فرهنگ انحرافی به نوعی تنها سرمایه فرد معتاد محسوب می‌شود و زمینه را برای شکل‌گیری رفتارهای انحرافی و کجروی بیشتر مهیا می‌سازد. پیامدها شامل: تداوم اعتیاد، اضمحلال روانی - اجتماعی، شکل‌گیری ارزش‌های نوین منفی، خرده فرهنگ حمایت گسسته و اعتماد در برابر بی‌اعتمادی میان گروهی خواهد بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد که حمایت اجتماعی و عاطفی از افراد معتاد و کمک به آنان برای ترک مواد مخدر از جذب شدن آنها به خرده فرهنگ‌های تهاجمی و بزهکار جلوگیری می‌نماید. با این وجود در جهت بالا بردن اعتبار بیرونی تحقیق پیشنهاد می‌گردد در جوامعی دیگر، تحقیقاتی مشابه تحقیق حاضر صورت بگیرد.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد، خرده فرهنگ، سبک زندگی، عوامل روانی اجتماعی.

ارجاع: حبیبی بابادی احمدقلی، هاشمیان فر سید علی، محمدی اصغر. فهم و شناسایی عوامل روانی اجتماعی خرده فرهنگ‌های مرتبط با مصرف مواد مخدر: یک مطالعه گراند تئوری. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۹؛ ۱۸(۴): ۴۵۹-۴۴۹.

*- سید علی هاشمیان فر

رایان‌نامه: j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

از اعتیاد تعاریف متعددی می‌شود، به‌گونه‌ای که گروهی آن را یک بیماری دانسته و گروهی دیگر، از آن به‌عنوان یک پدیده اجتماعی یاد می‌شود. از یک منظر، اعتیاد یک بیماری روانی، اجتماعی و اقتصادی است که از مصرف غیرطبیعی و غیرمجاز برخی مواد مانند الکل، تریاک، حشیش و... ناشی شده و باعث وابستگی روانی یا فیزیولوژیک فرد مبتلا (معتاد) به این مواد می‌شود که در عملکرد جسمی، روانی و اجتماعی وی تأثیرات نامطلوب بر جای می‌گذارد. این وابستگی از طرفی باعث تسکین و آرامش موقت و گاهی تحریک و نشاط گذرا برای فرد می‌گردد و از طرف دیگر بعد از اتمام این اثرات، سبب جستجوی فرد برای یافتن مجدد ماده و وابستگی مداوم به مصرف آن می‌شود. در این حالت فرد هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روانی به ماده مخدر وابستگی پیدا می‌کند و مجبور است به تدریج مقدار ماده مصرفی را افزایش دهد (۱). اعتیاد را باید یک مسئله اجتماعی دانست که در خلأ رخ نمی‌دهد و از بخش‌های دیگر جامعه مانند فرهنگ، سیاست و اقتصاد تأثیر می‌پذیرد. شکل‌گیری یک مسئله اجتماعی را با تأمل در ساختارهای پهن دامنه مسلط بر کنش‌های ارادی و غیرارادی افراد باید مطالعه و بر اساس آن تجزیه و تحلیل نمود. سنجش افکار عمومی کشور مشخص نموده که مردم ایران همواره از اعتیاد به‌عنوان یک مشکل اجتماعی بزرگ یاد کرده‌اند و اکثر کارشناسان مسائل اجتماعی نیز بر این امر وفاق نظر دارند (۲). برخی از جامعه‌شناسان رفتار کج‌روانه از جمله اعتیاد را به‌عنوان هم‌نوایی افراد با خرده‌فرهنگ‌هایی می‌دانند که به آن تعلق دارند. خرده‌فرهنگ‌ها الگویی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتار هستند که در بین گروه‌های خاصی، به سنت تبدیل می‌شود. آنان شبکه‌های مهم مرجعی می‌باشند که اشخاص و گروه‌ها از آن طریق جهان را می‌بینند و تشریح می‌کنند (۳). درواقع می‌توان گفت شخصی که تعهد خاصی به اجتماع ندارد اما پیوندهای محکمی با خرده‌فرهنگ مصرف مواد دارد، احتمال زیادی برای رو آوردن او به مصرف مواد مخدر وجود دارد. خرده‌فرهنگ‌های مصرف‌کنندگان مواد، ارزش‌ها و هنجارهایشان را برای کسانی که جذب این نوع زندگی می‌شوند، تبلیغ می‌کنند. شخصی که به این نوع زندگی می‌پیوندد، باید زندگی‌اش در راستای خرده‌فرهنگ جدید به‌منزله یک عضو خوب نظم مجدد دهد تا مورد تأیید اعضا باشد. خرده‌فرهنگ‌ها، پاداش‌ها و مجازاتی را برای موقعیت‌های خاص به‌منظور

نگهداری و وفاداری افراد به کار می‌گیرند. ما هم درواقع به دنبال فهم مسائل این افراد هستیم تا فرآیندها، ارزش‌ها، عادات و آداب این افراد را درک نماییم و فهم تفسیری از روال زندگی این افراد ترسیم نماییم. اعتقاد بر این است که مفهوم خرده‌فرهنگ مواد مخدر به معتاد در ارتباط با دیگران اشاره دارد. در این ارتباط یادگیری رخ می‌دهد. این یادگیری اصول و روش‌هایی دارد که یک تازه‌کار می‌تواند از معتاد کهنه‌کار یاد بگیرد که گوشه‌گیری، نتیجه عدم مصرف معمولی است و با یک‌بار مصرف آرامش می‌یابد و این‌که از طریق تزریق، اثر مواد تقویت می‌شود و یا یاد می‌گیرد که چگونه مواد یا پول خرید آن را به دست آورد، جاهای جدید مواد کجاست، چگونه مواد را برای مصرف آماده کند و اطلاعات دیگری از این نوع (۴). بدیهی است، شخص اغلب در این خرده‌فرهنگ‌ها دیدگاه‌های جدیدی را نیز یاد می‌گیرد. او ممکن است یاد بگیرد، خودش را به‌عنوان یک معتاد تعریف کند. تصورات تازه‌ای در مورد مصرف مواد و دیدگاه‌های منفی و تازه را در مورد مقررات که از مصرف مواد منع می‌کنند یاد بگیرد. وقتی فردی خود را به‌عنوان یک معتاد تعریف کند، جامعه هم او را به این شکل می‌شناسد (۵). برخی از صاحب‌نظران، معتقدند فردی که به‌عنوان کج‌رو برچسب خورده، رفتارها را در تطابق با واکنش اجتماعی دوباره سازمان‌دهی می‌کند و شروع به بکار گرفتن رفتار انحرافی می‌کند یا نقش خود را به‌عنوان وسیله دفاعی و حمله بر آن رفتار استوار می‌کند و یا با مشکلات پنهان و آشکاری که در نتیجه واکنش‌های اجتماعی بعدی برای او ایجاد می‌شوند، سازگاری می‌یابد (۶). این کج‌روی ثانویه، بهترین نمونه برای مصرف‌کنندگان مواد مخدری است که مجبور به رابطه داشتن با مصرف‌کنندگان دیگر هستند و علاوه بر این، برای حمایت کج‌روی اولیه‌شان بایستی به جرم (کج‌روی ثانویه) پناه ببرند یعنی به اعتیاد به مواد مخدر و جزء آن (۷).

رابرتسون خرده‌فرهنگ را گروهی تعریف می‌کند که به‌رغم اشتراکات در فرهنگ جامعه، از یک مجموعه‌ی مشترک برخوردار از ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی خاص خود نیز برخوردار می‌باشند (۸). این تعاریف نشان از آن دارد که اول این‌که خرده‌فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها و گرایش‌هاست و دوم این‌که با فرهنگ کلی جامعه متفاوت است. آلبرت کوهن استدلال می‌کند که خرده‌فرهنگ‌های مشخص طبقات پایین، ارزش‌های طبقه متوسط را نفی می‌کنند. این انکار، یک ضعف جدی است. چون ویژگی‌های فرهنگی طبقه

اجتماعی را که رفتار کج‌روانه وابسته به آن است، شکل می‌دهد (۱۵).

هدف از انجام این تحقیق، فهم و شناسایی عوامل روانی اجتماعی خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با مصرف مواد مخدر است. سؤال اصلی این است که عوامل روانی اجتماعی خرده‌فرهنگ‌ها چه تأثیری در تمایل به مواد مخدر و تداوم آن دارند.

مواد و روش‌ها

این پژوهش در صدد است از طریق انجام یک مطالعه کیفی به فهم و شناسایی خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با مصرف مواد مخدر بپردازد. این مطالعه درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که خرده‌فرهنگ‌ها چه تأثیری بر گرایش افراد به مصرف مواد مخدر داشته و همچنین چگونه موجب تداوم اعتیاد می‌شوند؟

این تحقیق از نوع کیفی و بر اساس روش نظریه‌مبنایی (گراند تئوری) انجام شده است. در واقع محقق به دنبال کشف شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای در روند گرایش افراد به سمت مواد مخدر و همچنین تداوم سوء‌مصرف و اعتیاد بر اساس خرده‌فرهنگ‌ها است و در نهایت استراتژی‌های کنشی آنان و پیامدهای اعتیاد را در آن بافت اجتماعی خاص بررسی می‌نماید. میدان تحقیق شامل کلیه افراد مراجعه‌کننده به گرمخانه‌های اصفهان در سال ۱۳۹۹ می‌باشند. در این تحقیق، برای نمونه‌گیری باز، ابتدا سعی شد تا انتخاب مصاحبه‌شوندگان بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها یا ویژگی‌های فردی آن‌ها صورت بگیرد تا شناخت بهتری از مقولات حاصل شود. با در نظر گرفتن این نکته که تمامی افرادی که با آن‌ها مصاحبه صورت گرفت، ویژگی اصلی و شرط اصلی (اعتیاد به یک نوع ماده مخدر، سکونت در گرمخانه) برای انجام مصاحبه را دارا باشند. مثلاً در این بررسی، ابتدا مصاحبه با دو مصرف‌کننده صورت می‌گیرد و به محقق کمک می‌کند تا در انتخاب نمونه‌های بعدی موفق‌تر عمل کرده و مقولات بیشتری را مورد شناسایی قرار دهد. در این مرحله داده‌های هر نمونه جمع‌آوری شده و پس از مقایسه مقولات به دست‌آمده ابعاد جدید نیز مشخص شدند. در این مجموعه نمونه‌گیری، سعی بر آن است که به‌جای ضبط حوادث، رویدادها و غیره، بیشتر به تفاوت‌هایی که وجود دارد و پیامدهای مربوط به آن‌ها در زمینه‌ی وضعیت‌ها، موضوعات پیرامونی، کنش/واکنش پدیده‌ها بپردازیم و با پیدا کردن تفاوت‌ها و تنوع‌ها در طی فرآیند مقولات را گسترش دهیم و در سطوح ابعادی این

متوسط کشور برای موفقیت ضروری هستند. این ویژگی‌های عبارت‌اند از: جاه‌طلبی، احساس مسئولیت شخصی، مهارت‌های موفقیت، توانایی به تعویق انداختن شادی و مسرت، سخت‌کوشی و صرفه‌جویی (۹). پسرانی که معتاد می‌شوند به‌طورقطع با خرده‌فرهنگ بزهداری ارتباط داشته‌اند. این که آنان مصرف مواد را به‌طور منظم شروع کنند، نشانگر دوستانی است که در زندان و کانون اصلاح و تربیت داشته‌اند (۱۰). خرده‌فرهنگ مواد، انواع خیلی متفاوتی دارند. برخی از آنان به مصرف ماده خاصی مرتبط هستند، درحالی‌که سایر آنان به نظر می‌رسد بخشی از یک خرده‌فرهنگ بزرگ‌تر باشند (۱۱).

رویکرد کنترل اجتماعی بر این نکته متمرکز است که چرا تنها عده کمی از مردم درگیر رفتارهای کج‌روی از قبیل جرم و مصرف مواد مخدر می‌شوند؛ پاسخ آن‌ها هم این است که در این امر میزان تعهد فرد به جامعه، عامل تعیین‌کننده است. جوانانی که تعهد و ارتباطات محکمی با والدین و مدرسه دارد تا حد کمتری درگیر رفتار مجرمانه می‌شوند. بر اساس نظریه‌های کنترل اجتماعی کج‌روی هنگامی به وجود می‌آید که تعهد فرد به جامعه ضعیف باشد و یا از بین برود. میزان تعهد با قیدوبندهای درونی و بیرونی تعیین می‌شود. به عبارتی کنترل‌های درونی و بیرونی مشخص می‌کنند که آیا ما به طرف رفتار کج‌روانه یا کاملاً قانونی برویم (۱۲).

طبق نظریه پیوند افتراقی افراد به‌این‌علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آن‌ها بیش از ارتباط‌های غیر انحرافی‌شان است. در تبیین مصرف مواد مخدر، پیوند افتراقی می‌تواند به‌عنوان یک طیف در نظر گرفته شود. در یک‌طرف طیف پیوندهای کج‌روانه و در طرف دیگر پیوندهای معمولی اجتماعی انباشته می‌شود. مصرف مواد هنگامی شروع می‌شود که پیوندهای کج‌روانه (مصرف‌کنندگان مواد) بیشتر از پیوندهای معمولی اجتماعی آن‌ها شود (۱۳). رابرت برگس (۱۴) بر اساس نظریه تقویت در روانشناسی و صورت‌بندی آن در مفهوم «تقویت افتراقی» معتقدند، اگر هنجارهای اجتماعی و قوانین به‌صورت واقعی هم‌نوایی با رفتارهای قانونی را برای فرد تقویت نکنند، او بزه‌کار می‌شود زیرا که رفتار، با تقویت مثبت شکل می‌گیرد. اگر رفتارهای قانونی تقویت نشوند استحکامشان را از دست می‌دهند و وضعیت عدم تقویت رفتار به وجود می‌آید. این فقدان تقویت رفتاری این احتمال را که سایر رفتارهای کج‌روانه تقویت شوند و استحکام یابند، افزایش می‌دهد. اعضای گروه اجتماعی فرد، تقویت‌های اجتماعی مانند پایگاه احترام و شأن

تحقیق مبتنی بر واقعیت‌های موجود درباره اعتیاد است یا خیر؟ برای اعتبار بیرونی نیز سعی گردید تا از طریق بررسی مهم‌ترین رویکردها و نظریه‌های اعتیاد، به موضوع تحقیق، اعتبار لازم بخشیده شود.

امروزه اعتیاد مربوط به قشر خاصی نیست و گروه‌های مختلفی را درگیر خودش نموده است. افزایش آمار مصرف‌کنندگان مواد، پایین آمدن سن اعتیاد، درگیر شدن قشر دانشجو و زنانه شدن اعتیاد، همگی گواهی بر این ادعاست که قشرهای مختلفی در کشور ما با مسئله اعتیاد و مصرف مواد درگیر شده‌اند. همچنین، نوع الگوی مصرف نیز در طی زمان، از فرهنگی به فرهنگ دیگر و حتی مکان دچار تغییر و تحول گردیده است، برای مثال در برهه‌هایی از زمان مصرف مواد صنعتی و در برخی مواقع مصرف مواد سنتی افزایش می‌یابد. این که چه موادی و برحسب چه معیارهایی و در میان چه قشری مصرف می‌شود، بستگی به عوامل متعددی از جمله بافت اجتماعی، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و ... دارد. لذا، انگیزه‌های مصرف، نوع موادی که مصرف می‌شود، می‌تواند به عوامل مختلفی از جمله طبقه اجتماعی، سن، جنس، شغل و حتی محل سکونت در ارتباط باشد. از طرفی دیگر، خرده‌فرهنگ‌ها می‌توانند با روش‌های متفاوتی از قبیل خصلت تفریحی، دارویی، یا در قالب سنت و آداب و رسوم بر مصرف مواد تأثیرگذار باشند.

یافته‌ها

سن افراد مشارکت‌کننده تحقیق بین ۱۷ تا ۶۷ سال بوده و بیشترین فراوانی در رده سنی ۲۷ تا ۴۸ سال قرار داشته و میانگین سن شروع اعتیاد دائم ۱۹ سال بود. از ۳۲ مشارکت‌کننده تحقیق ۱۴ نفر متأهل و ۱۸ نفر مجرد بودند. ۶ نفر از مشارکت‌کنندگان تحقیق بی‌سواد، ۱۳ نفر دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۵ نفر دیپلم، ۷ نفر تحصیلات کارشناسی و یک نفر کارشناسی ارشد بود. ماده غالب مصرفی به ترتیب تریاک، شیشه، کراک و هروئین بوده و ۶ نفر از مشارکت‌کنندگان تحقیق نیز سابقه تزریق داشتند.

محقق ابتدا با سؤالات اولیه وارد میدان شده و مصاحبه‌ها را انجام داد و پس از مصاحبه، مفاهیم و مقولات را استخراج و در مصاحبه‌های بعدی نوع سؤالات بر اساس آن مقولات ترتیب داده شد. پاسخ‌ها دوباره بررسی و مقولات جدیدی کشف شدند،

تفاوت‌ها را پیدا کنیم. درنهایت با ۳۲ نفر اقدام به انجام مصاحبه عمیق شد که برخی از مصاحبه ۹۰ دقیقه به طول انجامید. ابزار مورد استفاده این پژوهش، مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته با مصرف‌کنندگان مواد بوده و روش نمونه‌گیری نظری است تا به اشباع نظری دست یابد. منظور از نمونه‌گیری نظری در روش کیفی، همان سیر داستانی و تفسیری روش کیفی است که قدم‌به‌قدم در حال شکل‌گیری است. این روند بر اساس حدس و گمان‌هایی است که توسط مصاحبه‌گر پس از انجام هر مصاحبه انجام می‌دهد، جریان دارد و ادامه پیدا می‌کند. همین حدس و گمان‌ها هستند که نفرت بعدی برای مصاحبه را تعیین می‌کنند. در این روش نظریه نه پیش از کار تحقیق که به تدریج در جریان جمع‌آوری اطلاعات ساخته می‌شود و برخلاف تأکید دیگر روش‌ها در اثبات فرضیه‌ها و فضایی نظری هدفش تولید نظریه است. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، تحلیل کیفی و انتزاعی مقولات، مفاهیم و گزاره‌های نظری به روش استقرایی است. این تحلیل شامل یک رفت‌وبرگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند (آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مفاهیم و مقولات، بازبینی مقولات محوری، تعریف و نام‌گذاری پدیده‌ها، تهیه گزارش)؛ یعنی نگارش تحلیل از همان مرحله اول شروع می‌شود. مقولات به دو روش استخراج می‌شوند: اول؛ مشهود که شامل مقولاتی است که به‌صورت مستقیم در متن مشاهده‌پذیر باشد. دوم؛ مکنون که مقولاتی هستند که به‌صورت مستقیم در متن قابل مشاهده نباشد. همچنین منشأ شناسایی مضامین یا داده محور (بر اساس داده‌های تحقیق شناخته می‌شود- استقرایی) است یا نظریه محور (بر اساس نظریه‌ها و تحقیقات شناخته می‌شود- قیاسی). در شناسایی و تدوین مضامین نهایی، رویه داده محور غالب است. بدین معنی که مضامین انتزاعی پژوهش بیشتر ساخته خلاقیت پژوهشگران است. از آنجایی که اعتبار در گراند تئوری به این معناست که آیا نظریه‌ای که از داده‌ها آمده، از داده‌های محقق استخراج شده است یا این که محقق در طی فرآیند تحلیل، نتایج را به داده‌ها تحمیل کرده است؟ به اعتبار درونی در این تحقیق به این نحو توجه شد که آیا پرسش‌های تحقیق، مقولات را سنجیده شده است؟ برای اعتبار صوری این تحقیق، از نظرات استاد راهنما، استاد مشاور و اساتید روش کیفی استفاده گردیده و همچنین سؤال دیگری که مطرح است این است که آیا یافته‌های پژوهش، نظریه تولیدشده و ایده مصاحبه‌شوندگان درباره موضوع

مفاهیم، مقولات هم به مرور از دل مفاهیم زاده می‌شوند؛ چراکه مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها در ارتباط باهم قرار می‌گیرند و مفاهیم نزدیک به هم تبدیل مقولات را می‌دهند.

یا مقولاتی مشابه مقولات قبلی به وجود آمدند که در همدیگر ادغام شدند. این فرآیند پرسش و مقایسه تا رسیدن به اشباع نظری وجود داشت؛ بنابراین تا پایان انجام پژوهش، مصاحبه و حضور مجدد در میدان تحقیق ادامه یافت. در حین ساخت

جدول ۱. نتایج کدگذاری‌ها و مقوله‌بندهای حاصل از مصاحبه‌ها

پدیده/ مقوله محوری: واگرایی و همگرایی رفتاری- احساسی و رانش از اجتماع	کدگذاری انتخابی (مقولات اصلی)	کدگذاری محوری (مفاهیم، مقولات فرعی)
شرایط علی	مصرف آزمایشی	سرگرمی و تفریح، تزریق انرژی بیرونی از طریق دوستان
	محرك‌های شخصیتی	ویژگی‌های شخصیتی منفی، نگرش‌های ناکارآمد، تصورات و خودپنداره ضعیف
	روابط کز کارکرد	هم‌نشین ناسالم، بستگان معنادار، خانواده مصرف‌کننده
بافت/شرایط زمینه‌ای	طرد اجتماعی	طرد اجتماعی، طرد متقابل
	نابرابری و محرومیت	نابرابری فرصت‌ها، محرومیت اجتماعی، فقدان امکانات رفاهی
	فقدان حمایت اجتماعی-اقتصادی	کمبود حمایت اطلاعاتی، ضعف سیستم حمایتی دولتی
شرایط مداخله‌گر/میانجی	شخصیت ناپایدار	ناپایداری شخصیتی، هوش هیجانی رشدنیافته، هیجانات منفی افسارگسیخته
	تقویت‌کننده‌های درونی	متغیرهای ترغیب‌کننده درونی، کتمان کردن ضعف‌های خویش
	تنفر از وضعیت کنونی	شکل‌گیری احساسات منفی، اسارت در گرداب آنومیک
راهبردها	خرده‌فرهنگ تهاجمی گرایش به انحرافات اجتماعی	نادیده گرفتن نتایج عمل، ناسازگاری با قوانین جامعه
	عدم احساس یکپارچگی اجتماعی	زوال احساس مشارکت، انزوایطلبی
	اضمحلال روانی و اجتماعی	از دست دادن احساس «خود»، اضمحلال سرمایه‌های اجتماعی، زوال کنترل و نظارت بر زندگی
	خرده‌فرهنگ هم‌افزایی کج‌روی، شکل‌گیری ارزش‌های نوین منفی	گرایش به امیال و اقدام کج روانه، اضمحلال ارزش‌های اخلاقی
	تشکیل اجتماع ثانویه، اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی	استحاله و جایگزینی ارزش‌ها، ایجاد گروه‌های نوین، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ
	خرده‌فرهنگ حمایت گسسته	شکاف ارتباطات بین فردی، نگاه منفی و برچسب خوردگی، گسسته شدن ارزش‌های پیشین
پیامدها	تداوم اعتیاد	لغزش و بازگشت‌های مداوم، تلاش بی‌فراجم برای درمان، دوری‌گزینی از درمان
	اضمحلال روانی و اجتماعی	از دست دادن احساس «خود»، اضمحلال سرمایه‌های اجتماعی، زوال کنترل و نظارت بر زندگی
	خرده‌فرهنگ هم‌افزایی کج‌روی، شکل‌گیری ارزش‌های نوین منفی	گرایش به امیال و اقدام کج روانه، اضمحلال ارزش‌های اخلاقی
	تشکیل اجتماع ثانویه، اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی	استحاله و جایگزینی ارزش‌ها، ایجاد گروه‌های نوین، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ
	خرده‌فرهنگ حمایت گسسته	شکاف ارتباطات بین فردی، نگاه منفی و برچسب خوردگی، گسسته شدن ارزش‌های پیشین

تحقیق اظهار می‌دارند که بعد از سوء‌مصرف مواد به‌نوعی از جامعه رانده شده‌اند و آن را نوعی تنبیه اجتماعی تلقی می‌کنند. این رانده‌شدگی در قالب انواع برچسب‌ها و نگرش‌های منفی و فقدان دسترسی به منابع مادی، معنوی به علت مداخلات کنشگران پیرامونی ظهور یافته است.

نابرابری و محرومیت: عدم دسترسی به منابع و امکانات

می‌تواند زمینه را برای دسترسی به اهداف از طریق نامتعارف فراهم آورد. این نابرابری که در برخی موارد نهادینه می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و زمینه را برای فقر و نابرابری اجتماعی گسترده و به‌موازات آن انحرافات اجتماعی تسهیل می‌نماید. درواقع می‌توان عدم دسترسی به فرصت برابر و گسترش فقر را می‌توان در گفتگوهای بسیاری از مشارکت‌کنندگان این تحقیق، استنباط کرد. به‌طوری‌که این افراد؛ بافت اجتماعی را به‌نوعی مقصر جلوه می‌دادند.

فقدان حمایت اقتصادی-اجتماعی: حمایت یکی از

حلقه‌های گم‌شده‌ی افراد آسیب‌پذیر است. نبود حمایت‌های اقتصادی- اجتماعی در درون خانواده و جامعه می‌تواند بستری برای آسیب‌پذیری اعضای خانواده و جامعه فراهم نماید که افراد را به سمت انحراف و کج‌روی سوق دهد. در نبود این حمایت‌ها می‌توان گفت که افراد زمانی که دچار رانده‌شدگی و طرد اجتماعی می‌شوند؛ این حمایت به حداقل کاهش یابد و می‌توان گفت تا حدود زیادی طردشدگی به‌عنوان عاملی بر میزان حمایت‌ها تأثیرگذار است. حمایت از هر نوعی اعم از اقتصادی یا اجتماعی می‌تواند یک بازدارنده قوی در پیشگیری از آسیب باشد و در نقطه مقابل، نبود آن می‌تواند تسهیل‌کننده انحرافات اجتماعی است. این حمایت می‌تواند از طریق فرد، گروه یا خانواده و نهادهای دولتی و خصوصی اعمال شود.

شخصیت ناپایدار: ویژگی‌های شخصیتی منفی و عدم

برخورداری از راهبردهای مقابله‌ای کارآمد می‌تواند در گرایش به سوء‌مصرف مواد تسهیل‌کننده باشد. در بسیاری از مواقع ضعف و نبود قدرت در برخی از جنبه‌های شخصیت می‌تواند به‌عنوان یک میانجی به سمت انحراف اجتماعی عمل نماید. به‌هرحال باید این مطلب را در نظر داشت که افراد پس از طرد شدن از اجتماع و گرفتار شدن در مشکلات فردی و اجتماعی با آسیب‌هایی شامل ناامیدی و ناپایداری شخصیتی مواجه خواهند شد. صرف‌نظر از این موضوع، افراد گاهی اوقات احساس شرم نموده و قدرت پاسخ منفی در برخی موقعیت‌های حساس را

درنهایت تحلیلگر به اینجا می‌رسد که می‌تواند برخی مفهومی‌ها را زیر یک مفهوم انتزاعی‌تر، بر مبنای استعداد آن مفهوم برای توضیح آنچه در جریان است قرار دهد. مقوله‌ها شامل مسائل، دل‌نگرانی‌ها و اموری‌اند که برای کسانی که مطالعه می‌شوند مهم هستند؛ بنابراین، با رو به افزایش گذاشتن مفاهیم، باید کار دسته‌بندی آنها را آغاز کرد و هر دسته را زیر اصطلاحات انتزاعی‌تر، یعنی مقوله‌ها قرار داد (جدول ۱).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ۱۸ مقوله اصلی شناسایی شده که درنهایت منجر به کشف ۵ مقوله محوری گردید. در خصوص مقولات اصلی به‌صورت نمونه تعدادی از مصاحبه‌های انجام‌شده ذکر می‌شود:

روابط کژ کارکرد: قریب به اکثریت مشارکت‌کنندگان این

پژوهش از روابط اجتماعی ناکارآمد و گروه‌های دوستان انحرافی و هم‌نشینی با افراد کج‌رو، به‌عنوان یکی از علل اصلی رجوع به مصرف مواد اشاره می‌نمودند. گروه‌های دوستی مصرف‌کننده، هم‌نشین ناباب، خویشاوندان معتاد از جمله مفاهیمی بوده که در متن گفتگوهای استخراجی بوده است.

خانواده ازهم گسیخته: یکی دیگر از مفاهیمی که

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به‌عنوان چرایی روی آوردن به اعتیاد به آن اشاره می‌نمودند. به مفاهیمی چون مشاجرات والد-فرزندی، نزاع‌های خانوادگی و همچنین دیگر دعوای درون خانوادگی میان سایر اعضای خانواده اشاره شده است. همچنین در دوره‌های ترک، مشاجره با اعضای خانواده باعث بازگشت آن‌ها به مصرف مجدد شده است.

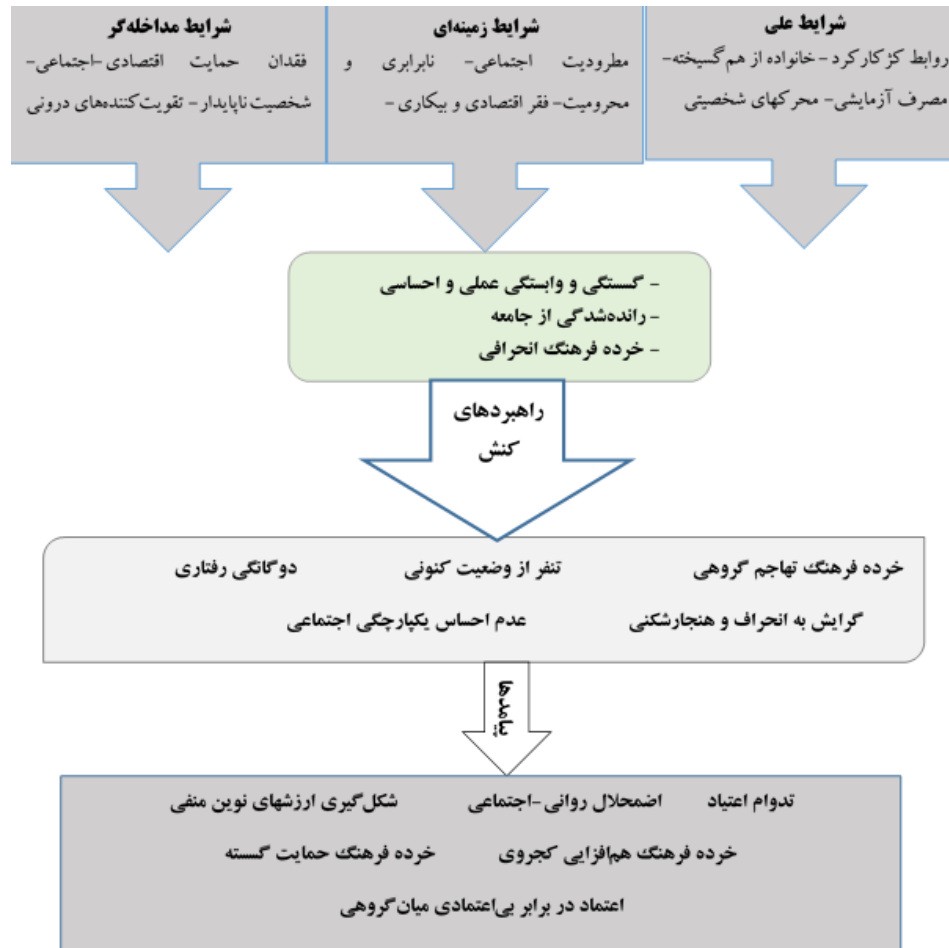
مصرف آزمایشی: برخی از افراد از مصارف اولیه مواد خود به‌عنوان سرگرمی، یا مصرف تفننی-آزمایشی نام می‌برند. این نوع علت را می‌توان در میان مفاهیم افرادی بیشتر مشاهده کرد که از مصرف مواد با مقولات مانند سرگرمی، شادی، تفریح، حواس‌پرتی از آن یاد می‌کردند. افرادی که طبقه اجتماعی و تحصیلات آنان غالب رو به بالا بود اظهار می‌داشتند که در اوایل شروع به مصرف خود بیشتر به‌عنوان یک ابزار برای سرگرمی در مجالس شبانه و یا مسافرت‌های مجردی از آن استفاده می‌کردند.

طرد اجتماعی: رانده شدن از خانواده و گروه‌های

اجتماعی، هنگامی افراد دچار انحراف از مسیر (انواع کج‌روی) شده‌اند، به‌نوعی تسهیل‌کننده گرایش بیشتر به آسیب‌های اجتماعی و انحرافات ثانویه می‌گردد. غالب مشارکت‌کنندگان

هیجان‌ات منفی می‌تواند تقویت‌کننده بوده و فرد را به سمت سوءمصرف مواد سوق دهد.

ندارند که می‌تواند به‌عنوان عاملی تسهیل‌کننده از آن در پیشروی به انحراف و کج‌روی یاد کرد. علاوه بر آن ضعف در هوش هیجانی و ابعاد شخصیتی و همچنین عدم کنترل بر



شکل ۱. مدل پارادایمی سوءمصرف مواد

می‌شود که منجر به نادیده گرفتن نتایج اعمال و رفتار شخص سوء مصرف‌کننده است. در واقع این افراد ممکن است از روی عمد و یا حتی در برخی موارد از روی ناآگاهی دست به اعمال مجرمانه و ناسازگاری با هنجارهای جامعه بزنند تا جایی که حتی ممکن است به علت احساس پوچی و برخی دیگر از مشکلات روانی - اجتماعی، به عاقبت آن نیندیشند. در برخی از موارد هم ممکن است افراد از روی ناچاری جهت رفع نیازهای اولیه اقدام به شکستن قوانین نمایند.

خرده فرهنگ هم‌افزایی کج‌روی: به موازات این‌که اعتیاد فرد تشدید و طولانی‌تر می‌شود، نرخ‌های کج‌روی فرد در

خرده فرهنگ تهاجم گروهی: یکی از مقولات برآمده از مفاهیم محتوای مصاحبه با مشارکت‌کنندگان این پژوهش یک نوع سلوک جمعی برای ارضای نیازهای شخصی بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان این پژوهش اظهار می‌داشتند جهت ارضای تمایلات و نیازهای خود در برخی از اوقات با برخی از هم‌تایان اقدام به برنامه‌ریزی نموده و در یک عمل مجرمانه یا بزهکارانه با همدیگر مشارکت می‌نمایند.

گرایش به انحراف و هنجارشکنی: عضویت در خرده فرهنگ در میان سوء مصرف‌کنندگان ساکن در مراکز درمان اجباری اعتیاد و افراد کارتن خواب، کنش‌هایی را شامل

افزایش خطر ارتکاب جرم کاهش یافته و موجبات انصراف فرد را از عملی کردن تصمیمش فراهم می‌آورد (۱۶).

قریب به اکثریت مشارکت‌کنندگان این پژوهش از روابط اجتماعی ناکارآمد و گروه‌های دوستان انحرافی و هم‌نشینی با افراد کج‌رو، به‌عنوان یکی از علل اصلی رجوع به مصرف مواد اشاره می‌نمودند. گروه‌های دوستی مصرف‌کننده، هم‌نشین ناباب، خویشاوندان معتاد از جمله مفاهیمی بوده که در متن گفتگوهای استخراجی بوده است. غالب مشارکت‌کنندگان تحقیق اظهار می‌دارند که بعد از سوءمصرف مواد به‌نوعی از جامعه رانده شده‌اند و آن را نوعی تنبیه اجتماعی تلقی می‌کنند. این رانده‌شدگی در قالب انواع برچسب‌ها و نگرش‌های منفی و فقدان دسترسی به منابع مادی، معنوی به علت مداخلات کنشگران پیرامونی ظهور یافته است. از طرفی طرد شدن از گروه‌های مرجع منجر به جذب این افراد به گروه‌های بزهکار و یا خرده‌فرهنگ‌هایی شده که رفتارهای تهاجمی دارند. یکی از مقولات برآمده از مفاهیم محتوای مصاحبه با مشارکت‌کنندگان این پژوهش یک نوع سلوک جمعی برای ارضای نیازهای شخصی بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان این پژوهش اظهار می‌داشتند جهت ارضای تمایلات و نیازهای خود در برخی از اوقات با برخی از هم‌تایان اقدام به برنامه‌ریزی نموده و در یک عمل مجرمانه یا بزهکارانه با همدیگر مشارکت می‌نمایند. این نوع کنش گروهی که حاصل برنامه‌ریزی و نقشه قبلی است، معمولاً در کوتاه‌مدت نوشته و همچنین اجرایی می‌شود و شامل کنش‌های دارای برنامه‌ریزی بلندمدت نبوده و معمولاً اهداف کوتاه‌مدت را شامل می‌شود.

هم‌زمان با عضویت در خرده‌فرهنگ شکل گرفته خصوصاً در میان سوء مصرف‌کنندگان ساکن در مراکز درمان اجباری اعتیاد و افراد کارتن خواب، کنش‌هایی به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که منجر به نادیده گرفتن نتایج اعمال و رفتار شخص سوء مصرف‌کننده است. درواقع این افراد ممکن است از روی عمد و یا حتی در برخی موارد از روی ناآگاهی دست به اعمال مجرمانه و ناسازگاری با هنجارهای جامعه بزنند تا جایی که حتی ممکن است به علت احساس پوچی و برخی دیگر از مشکلات روانی-اجتماعی، به عاقبت آن نیندیشند. در برخی از موارد هم ممکن است افراد از روی ناچاری جهت رفع نیازهای اولیه اقدام به شکستن قوانین نمایند. لذا، یکی دیگر از استراتژی‌هایی که افراد در مواجهه با وضعیت موجود خود به کار می‌گیرند، تخطی از آداب‌ورسوم، عرف و حتی هنجارهای شدیدتر شامل قوانین است.

طول زمان نیز بیشتر می‌شود و عضویت فرد در خرده‌فرهنگ بزهکاری و کج‌رویی تشدید می‌شود.

پس از کدگذاری و مقوله‌بندی صورت گرفته منجر به استخراج ۱۸ مقوله اصلی شد و درنهایت ۵ مقوله محوری شناسایی شد. مقوله‌های اصلی شناسایی شده بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری صورت گرفته عبارت‌اند از: شرایط علی، بافت / شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر/میانجی، راهبردها و پیامدها. شکل ۲، روابط مقوله‌های شناسایی شده را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با روش کیفی درصد برآمد تا به فهم و شناسایی تأثیر خرده‌فرهنگ‌ها مرتبط با مصرف مواد مخدر بپردازد. از ۳۲ از مراجعه‌کنندگان به گرمخانه‌های شهر اصفهان مصاحبه عمیق به عمل آمد و مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس کدگذاری شد. پس از انجام کدگذاری، مقوله‌های اصلی و محوری شناسایی شدند. از مجموع بررسی‌های انجام شده می‌توان دریافت که به‌طور کلی، سوءمصرف مواد با «وابستگی عملی-احساسی» و «رانده‌شدگی از جامعه» و «خرده‌فرهنگ انحرافی» همراه است؛ یعنی فرد سوء مصرف‌کننده در جریان سبک زندگی اعتیادگونه خود دچار نوعی تباعد (جدایی) از اجتماع مواجه می‌شود. این شرایط واگرایی و رانده شدن از اجتماع، با مفاهیم حساسی همچون تجربه زیسته، هم‌نشینی و معاشرت، کنش‌های درون‌گروهی، ارتباطات میان فردی، محرومیت و طرد اجتماعی، در حاشیه قرار گرفتن و داده شدن، خرده‌فرهنگ، برچسب‌زنی، خودپنداره و عاملیت فردی که در چارچوب مفهومی پژوهش حاضر به آن اشاره شد قابل تبیین است. به صورتی که شرایط حاصل سوءمصرف مواد، بستری را فراهم می‌آورد که فرد ارتباطات و شبکه اجتماعی و پیوندهایش از هم گسسته می‌شود و ارتباط خود را با محیط اجتماعی از دست داده است و ضعف ارتباط و جدایی هم در عرصه احساسات و عواطف و هم در عرصه کنش و کنش متقابل ظهور پیدا کند. شرایط نوین به‌گونه‌ای پیش می‌رود که فرد سوء مصرف‌کننده در کشاکش تصمیمات درست و نادرست اقدام به کنش می‌کند که در برخی موقعیت‌ها به سمت بازگشت به جامعه و در برخی دیگر به سمت سوءمصرف مواد گام برمی‌دارد. به‌طور کلی، هراندازه میزان محافظت از آماج‌های جرم تقویت گردد، به همان اندازه

می‌توان آن را «رانس از اجتماع» نام‌گذاری کرد. صحبت از طرد اجتماعی آنگاه که اختیاری باشد، گیدنز از آن سخن به میان می‌آورد، البته آنچه گیدنز به آن اشاره می‌کند صحبت از طبقه‌ای مرفه و ثروتمند است که به‌واسطه تفریحات و برنامه‌های زندگی تجملاتی و همچنین علاقه‌ای برای سایر فعالیت‌های جمعی (احزاب، گروه‌ها، انتخابات و...) ندارد و تمام زمان خود در کاخ‌ها و عمارت‌های شخصی خود می‌گذرانند؛ اما این وضعیت طرد اختیاری در میان سوء مصرف‌کنندگان به‌گونه‌ای دیگر است. اختیار چنین تصمیمی از آنجا ناشی می‌شود که فرد سوء مصرف‌کننده با سیلی از تجارب منفی و اتفاقات ناخوشایند و شکست‌های پی‌درپی روبرو بوده است که لاجرم تصمیم بر انزوا و ادامه زندگی جدید (اعتیاد) خود می‌گیرد. زمانی که فرد احساس می‌کند از طرف خانواده و دوستان، رانده شده و از طرف دیگر شاهد نامالایمات و قضاوت‌های منفی از طرف جامعه است، تصمیم به انزوا می‌گیرد که هم با اجبار اجتماعی روبروست و هم از روی ناامیدی و فقدان اراده کافی تصمیم به ادامه زندگی اعتیادگونه خود می‌گیرد. لذا، این وضعیت منجر به فاصله اجتماعی و از بین رفتن کلیه تعلقات و ارزش‌های اجتماعی می‌شود که به‌نوبه خود زمینه را برای تداوم اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی و انحرافات فراهم می‌نماید. لذا تداوم عضویت در خرده‌فرهنگ انحرافی که به‌نوعی تنها سرمایه فرد سوء مصرف‌کننده محسوب می‌شود زمینه را برای شکل‌گیری رفتارهای انحرافی و کج‌روی بیشتر مهیا می‌سازد.

جهان در حال توسعه، شاهد بروز و ظهور بحرانی است که میلیون‌ها نفر را به دلیل اعتیاد به بردگی کشانده است (۱۷). ایران به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در همسایگی عمده‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان، همواره با معضل مواد مخدر روبرو بوده است (۱۸) و این امر موجب شده است تا سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کشور ما در طول چند دهه، با به‌کارگیری تدابیر و اقدامات مختلف به مقابله و مبارزه با این پدیده بپردازند. مهم‌ترین اقدامات برای پیشگیری وضعی از قاچاق مواد مخدر عبارت‌اند از: کاهش عرضه و تقاضا، کنترل مرزها و گمرکات، کشت جایگزین. اگر این هدف به دست آید، رشد اختلالات مصرف مواد مخدر و مشکلات سلامت و اجتماعی نیز کاهش خواهد یافت.

در پایان پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از تداوم اعتیاد و همچنین از رفتارهای بزهکارانه که خود موجب بروز سایر کج‌روی‌های و انحرافات در جامعه می‌شود، با حمایت اجتماعی و

افراد از شرکت در مجالس و اعیاد و بسیاری دیگر از فعالیت‌ها دور می‌شوند و تمایلی برای همکاری با دیگر اعضای اجتماع ندارند و حتی ممکن است از خانواده خود و معاشرت با آنان پرهیز کنند. بدین ترتیب در سلامت اجتماعی، فرد دچار مشکلاتی می‌شود که عدم احساس یکپارچگی، عدم احساس بخشی از اجتماع بودن، احساس نداشتن چیزی با ارزش برای عرضه در اجتماع را به دنبال دارد. لذا، انزوا و گوشه‌گیری و دوری از اجتماع از دیگر شیوه‌های برخورد سوء مصرف‌کنندگان مواد است که به طرق مختلف نمایان می‌شود. این مسئله سبب می‌شود فرد بیشتر خود را گروه‌ها و یا خرده‌فرهنگ‌های بزهکار و تهاجمی وابسته شده و فقط در بین این گروه‌ها احساس راحتی و آسایش کند. به‌موازات این که اعتیاد فرد تشدید و طولانی‌تر می‌شود، نرخ‌های کج‌روی فرد در طول زمان نیز بیشتر می‌شود و عضویت فرد در خرده‌فرهنگ بزهکاری و کج‌روی تشدید می‌شود.

گسسته شدن روابط سابق و فقدان آن‌ها در اشکال مختلف در سیر تجارب غالب سوء مصرف‌کنندگان مواد دیده می‌شود. علی‌رغم از دست دادن بسیاری از حمایت‌های روانی و اجتماعی از جانب خانواده و جامعه، بسیاری از سوء مصرف‌کنندگان اظهار می‌داشتند که به‌صورت موقت در برخی از زمان‌ها از جانب هم‌تایان حمایت‌های مالی و روانی شامل همدلی و مشاوره دریافت نموده‌اند. به‌موازات این که افراد به سوء مصرف مواد ادامه می‌دهند، موجی از شکاف‌ها در روابط بین فردی نیز ایجاد می‌شود. این فاصله‌های اجتماعی به‌نوبه خود باعث احساسات و هیجانات منفی در فرد به وجود می‌آورد و نگاه فرد و جامعه نسبت به هم تغییر می‌کند. غالباً این تغییرات منفی بوده و موجبات بی‌اعتبار سازی فرد را به دنبال دارد و به دنبال آن یک نوع احساس بیگانگی از خود و جامعه را به دنبال دارد که زمینه را برای تضادها و تعارضات بین فردی هموار می‌سازد. پس این که این معتادان وارد گروه‌های نوین می‌شوند و در مقابل ارزش‌های نوین (مثبت و منفی) قرار می‌گیرند به‌مرور زمان شخصیتشان دگرگون می‌شود و این دگرگونی‌ها زمینه را برای از بین رفتن ارزش‌های پیشین و شکل‌گیری ارزش‌های نوین فراهم می‌آورد. به‌موازات این که افراد حس می‌کنند جامعه و خانواده نسبت به آن‌ها بی‌اعتماد است، هسته‌های نوین اعتماد را در درون گروه‌های جدید و افراد هم‌تا جستجو می‌کنند؛ اما نکته قابل تأمل دیگر، یک نوع طرد اجتماعی اجباری - اختیاری است که فرد سوء مصرف‌کننده با آن روبرو است. به‌عبارتی دیگر

تقدیر و تشکر

مطالعه حاضر برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکتری جامعه‌شناسی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان می‌باشد. بدین‌وسیله از مدیریت دانشگاه، استاد راهنما، مشاور، داور و تمامی افرادی که در انجام این تحقیق مرا یاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

عاطفی از افراد معتاد و کمک به آنان برای ترک مواد مخدر از جذب شدن آن‌ها به خرده‌فرهنگ‌های تهاجمی و بزهکار جلوگیری نمود که البته انجام این امر و یافتن شیوه‌های مناسب برای اقدام لازم، نیازمند انجام پژوهش‌های دیگر توسط سایر محققین علاقه‌مند می‌باشد.

References

1. Saberi Z, Farokhi N, Namvar H. The causal relationship between spiritual intelligence and addiction readiness with the mediation of metacognitive beliefs and academic hardiness in students. *Journal of Addiction Research*. 2018;12(47):135-56.
2. Hjarvard S. The mediatization of society: A theory of the media as agents of social and cultural change. *Nordicom review*. 2008;29(2):102-31.
3. Morgan PI, Ogbonna E. Subcultural dynamics in transformation: a multi-perspective study of healthcare professionals. *Human Relations*. 2008;61(1):39-65.
4. Lindesmith AR. *Addiction and opiates*: Transaction Publishers; 2008.
5. Elster J. *Strong feelings: Emotion, addiction, and human behavior*: mit Press; 2009.
6. Scull A. *Madness: A very short introduction*: Oxford University Press; 2011.
7. Taylor I, Walton P, Young J. *The new criminology: For a social theory of deviance*: Routledge; 2013.
8. Cherry B, Mellins M. Negotiating the punk in steampunk: subculture, fashion & performative identity. *Punk & Post-Punk*. 2011;1(1):5-25.
9. Sandberg S. Cannabis culture: A stable subculture in a changing world. *Criminology & Criminal Justice*. 2013;13(1):63-79.
10. Feizollahi A. Social Factors Influencing Youth Addiction in Ilam Province. *Social Welfare Quarterly*. 2008;7(29):155-72.
11. Schoene B. Welsh, drugs and subculture. *The Edinburgh Companion to Irvine Welsh*. 2010:65-76.
12. Momtaz F. *Social Deviations: Theory and views*. Tehran: Publishing Corporation. 2002. [Persian].
13. Jordanoska A, Schoultz I. The "Discovery" of White-Collar Crime: The Legacy of Edwin Sutherland. *The Handbook of White-Collar Crime*. 2019:1-15.
14. Burgess RG. *The research process in educational settings: Ten case studies*: Routledge; 2011.
15. Khammarnia M, Peyvand M. The reasons of return to drug addiction and suggested solutions among the people referring to rehabilitation centers: A Qualitative Study. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*. 2018;17(6):523-38.
16. Simbar R, Yahyipour MM, Keshavarzadeh MW, Najafi A. Child Abuse in Drug Trafficking and its Impact on National Security of the Islamic Republic of Iran. *Journal of New Attitudes in Human Geography*. 2017;9(4):51-74.
17. Mehra N. Prevention of drug trafficking in human geography, *Journal of New Attitudes in Human Geography* 2020;12(2):321-42.
18. Eshkeyti Sara, Nabi Khodakarami. Investigating the Geography of Crime in Iranian Metropolis: A Case Study of Tehran. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 2019;12(1):705-23.